بسمه تعالی

احترام گیاه: احترام به خود- به محیط زیست خود-به همزیست خود

نوشته نادر حسن زاده

رونق خرید و فروش غیر قانونی زمین های شمال کشور

خبرگزاری میزان- در حالی خرید و فروش غیرقانونی زمین‌های بنیاد علوی در شمال کشور برای مردم این منطقه دردسرساز شده است که از قائمشهر خبر می‌رسد این بنیاد از افرادی که تحت پوشش کمیته امداد هستند و وضعیت مالی خوبی ندارند، پول‌های زیادی بابت انتقال مالکیت زمین‌های ۴۰ تا ۵۰ متری طلب می‌کند. این بنیاد در حال حاضر در بسیاری از شهرها چون بابلسر و فریدون کنار صددرصد مالکیت زمین را داراست. در حالی که بسیاری از خریداران زمین در مناطق شمالی تنها به اظهارات بنگاه های املاک اکتفا می کنند و پس از خرید زمین تازه متوجه می شوند که تا حق بنیاد علوی را ندهند مالکیت زمین در اختیارشان قرار نمی گیرد(۱۳۹۵/۵/۲۶).

طبیعت مانا-طبیعت خوانا

تاریخ نشر ۱۳۹۵/۶/۶. تاریخ دهمین نسخه بازبینی ۱۳۹۹/۱۲/۲۲

hasanzadehr@yahoo.com

احترام گیاه: احترام به خود- به محیط زیست خود-به همزیست خود

- تعریف درخت از زبان خودش:

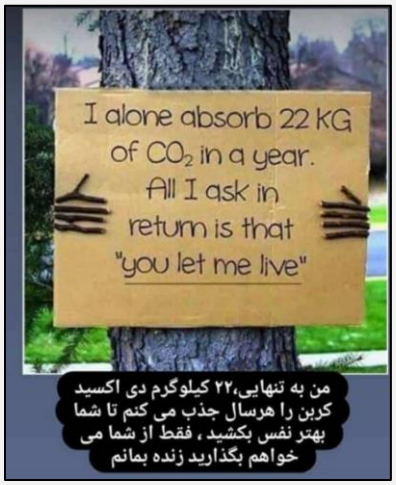

- خبر تکان دهنده ائی بود. به ثمن بخس فروختن شریان حیاتی کشور، توریسم کشور، زیبائی های طبیعی کشور، آبروی کشور آنهم برای کسانیکه دغدغه اول ایشان نان است تا درخت! گرفتن مستمری ماهیانه است تا سرمایه گذاری بلند مدت! بطور طبیعی اخبار مربوط به آب و هوا و گیاه بعد از اخبار انسان ها از اهم اخبار زمین است. همه موجودات عزیزند اما عزیزترین آنها پس از انسان، گیاهان هستند. مسئولیت ذاتی گیاهان بر روی کره خاکی تضمین حیات انسان در نهایت شادابی است. درختان سبز هستند و دلنواز، سایه انداز اند و چشم نواز، الهام بخش اند و تمدن ساز. تامین غذای مادی و معنوی همه موجودات از جمله انسان با گیاهان است. گل و بلبل شعار ایرانیان قدیم صاحب باغ و بستان است.

گیاهان نقش های کلیدی دیگری هم دارند از آن جمله در رشد سلول انسان نقش بسزائی دارند، قوام اسید های هسته سلول وابسته به تامین هوای سالم از سوی گیاهان است. رشد انسان های متعالی در شهرهای بزک شده با نور و نئون از این پس تقریبا غیر ممکن است.

یک روز سیزده بدر به کالبد انسان روح تازه می دمد و مدت ها درد افسردگی را درمان می کند. توسعه پارک های ملی در شهرهای بزرگ در راستای تامین این نیازهای خدادادی است. ایستگاه های سلامت، کانون این پارک ها هستند.

یکی از جاذبه های بهشت وجود درختان انگور، انجیر، انار، زیتون و نخل و...است. خدا برای درک انسان از عوالم بعد از مرگ، زمین را بهشت اول انسان کرد و انسان به جای تشکر و قدردانی زیباترین کره خاکی دنیا را تبدیل به اولین جهنم خود کرد. اینقدر بی لیاقت بود و هست که جهنمش را از همین زمین می سازد!

میزان تمدن هر کشور در دهه های آتی منوط به داشتن محیط زیست سالم (stable and

healthy environment) و فضای سبز مناسب است (proper urban green space). چند مترمربع برای هر انسان ارقام متفاوت است.

طبق منابع موجود میانگین آن ۳۰ مترمربع برای هر فرد است. با این روند نابودی ۳۵۰ مترمربع از زمین های سبز کشور در هر ثانیه تکلیف همه مشخص است. نماز تعطیل تا احیای مجدد حیات درکشور. فرمول ساده است. درخت بمیرد- جانور می میرد، جانور بمیرد- انسان می میرد، انسان بمیرد-انسانیت می میرد.

- اما چرا انسان شهری از درختان ولی نعمتان خود متنفر هستند؟ و در برابر او انسان همیشه تبر به دست است! گالن بنزین به دست است؟ چون دیوار کوتاه تر از او نیست! چون سرویس مفت می دهد! چون طلبکار نیست! چون زبان ندارد! ضجه می کند اما گوش شنوائی ندارد! ضجه او وقتی شنیده می شود که انسان بین میل گردها محبوس است.
- در این چند سال کار من دیدن زشتی اعمال افراد فرصت طلب در این حوزه حیات بخش بوده است. یک مقامی هم ندیدم جلوی اره برقی انبوه سازان بایستد و او را از تصمیم اهریمنی گیاه کشی منصرف و یک قدم و یا حتی یک روز او را عقب براند. همراهی با انبوه سازان و برج سازان در الویت برنامه های ایشان بوده است. هر موقع هم کم آوردند گفتند مشکل قانون است.

مسئولیت سبز با آدمهای سبز! خدا حیات چه موجوداتی را بدست چه ناموجودهائی داده است.

شاید نصف رنج امثال من مشاهده این بی مسئولیتی ها است. خبر اول بیشتر ماهواره ها و شبکه های مجازی به تصویر کشیدن مصیبت محیط زیست ایران است. خوب است که در شرایط صلح قرار داریم و تعدادی هنوز از اجرای قانون هراس دارند. **کاری از دست امثال من ساخته نیست الا نوشتن و تذکر دادن به کسانی که داشتن شهرهای مدرن را افتخار نمی دانند**. در خواب های مشوش خود خواب تراکم می بینند! خواب ترافیک می بینند! ریزگرد می بینند! زیر میز می بینند! از وارونگی هوا لذت می برند! از اینکه اتوبان ها هر روز خیابان و خیابان ها هر روز کوچه می شوند بر مدیریت مشعشع خود می بالند. مساحت خانه های مسکونی را به مساحت جنگل ها ترجیح می دهند!

شعارشان هم اینست شهرها باید رشد عمودی بکنند. چه ایرادی دارد قوت مردم از خارج تامین بشود. مزیت نسبی یعنی این! آب نیست، ساخت و ساز که هست. فردا نیست، امروز که هست. تاریخ بی تاریخ! مصاحبه کنند پاسخ بشنوند. ما را با اروپا مقایسه نکنند. ما مائیم!

اما نظرات من طی این چند سال در سایت های مختلف (شفقنا، بینانیوز و معدود سایت های دیگر): **همه امیدم در این سالها این بوده است که روزی برسد داشتن ویلا شخصی در زمینهای سبز کشور برای هر ایرانی دارا و ندار به جای تفاخر یک جرم محسوب بشود و بابت تصاحب فضاهای سبز کشور**

مجازات بشوند (توضیحات بیشتر در مقاله جرائم روز ایران: جرم داشتن ویلای شخصی. مورخ۱۳۹۶/۷/۲۹ در همین سایت)

- گزارش مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۴ سایت شفقنا با عنوان هر درخت به اندازه یک انسان ارزش دارد. دکتر وحید اعتماد در گفت وگو با شفقنا: بحران آینده ایران، اول "آب" و بعد "زمین" خواهد بود (فایل ۴۷):

نظر:

جالب است انسان فقط و فقط از مرگ خود و عزیزان خود بدست عزرائیل ناراحت می شود. اما اگر خود عزرائیل شد حیوانی را شکار کرد، درختی را از ریشه در آورد و آبزئی را از آب گرفت و پرنده ای را در هوا زد، طوری نیست!

کاش به جای هر زندانی دیگر، زندانی جرائم محیط زیستی داشتیم و مدت و شدت محکومیت قطع کنندگان درختان کمتر از دیگر محکومین نبود.

در ماجرای قطع درختان دره اوین (توضیح بیشتر ذیلا خواهد آمد+ در نوشته دیگر تحت عنوان "کوه دماوند کوه خداست، ۱۳۹۹ در همین سایت) حرف من به مصاحبه گر این بود"قطع درختان قتل انسانهاست اگر نگوئیم قتل اولیاست".

تفاخر کشورها امروز بیش از هر زمان دیگر به داشتن شهرهای سبز است.

گندم از گندم بروید شهر سبز از فکر سبز.

ایکاش در دانشکده های راه و ساختمان و علوم سیاسی به نوآموختگان این دو رشته مهم مدیریت شهر و کشور آموزش درس حفاظت از محیط زیست را اجباری می کردند.

مشکلات زیست محیطی تهران و ماجرای تبدیل شدن دره اوین به باغ بهشت (تصاویر۳-۱).



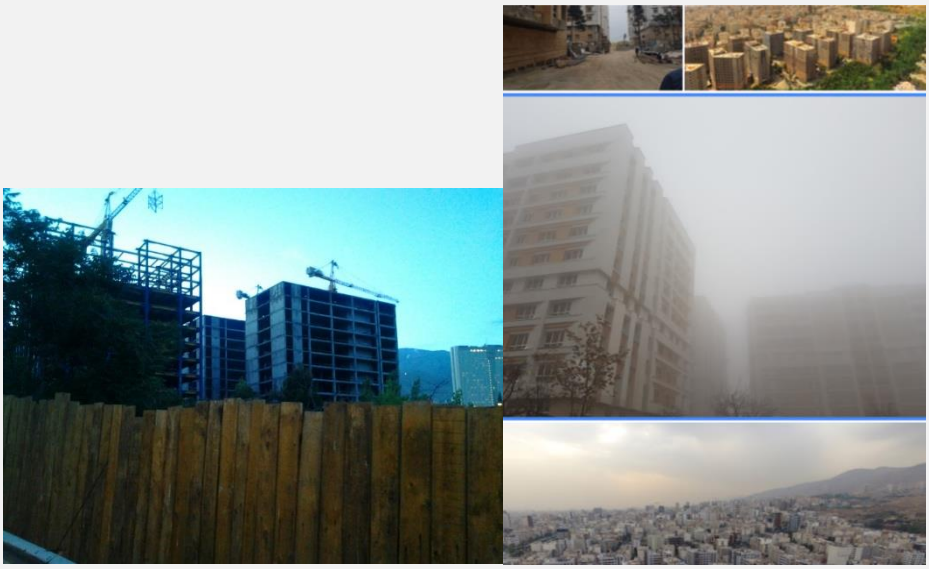

تصاویر ۳-۱. خوشبختانه سلاخی یکی از آخرین منازل و مظاهر زیبای تهران به اتمام رسید (۱۳۹۷-۱۳۸۹)! راه ورود اکسیژن به ریه های مردم تهران بابت خشکسالی، آلودگی مفرط هوا و زلزله به طرز با شکوهی مسدود شد (۱۳۹۶). اینک نوبت دره گزینی ساکنین است. ترافیک نوظهور این منطقه مبارک باد. انتظار سیل حکم من باد. مورد جدید برج سازی تعاونی مسکن ارتش در مجاورت باغ گیاهشناسی پیکان شهر تهران است (مراجعه شود به نوشته من بداد باغ گیاهشناسی ملی ایران برسید، ۱۴۰۰/۱۲/۱۶ در همین سایت)

- دوشنبه ۱۳ آذر۱۳۹۱ استانداری تهران به دلیل شدت آلودگی تهران دو روز تعطیل عمومی اعلام کرد تا مردم از شهر تهران خارج شده و شهر به مدت ۴ روز (سه شنبه تا جمعه) نفس بکشد. هفته پیش هم تهران به مدت ۴ روز (پنجشنبه تا یکشنبه) بخاطر تاسوعا و عاشورا تعطیل بود. همه ساله شاهد سلسله تعطیلی های مناسبتی هستیم و خواهیم بود. خدا برکت بدهد پول مفت نفت را.
- به ارتفاعات ۲۰۰۰ متری تهران هم رحم نکردند! (امان از دست شعارهای آسمانی شهرداری و اقدامات ضد آسمانی آن). رئیس شورای شهر تهران در مصاحبه تلویزیونی خود در سال ۱۳۹۱ گفت اگر تخلفی صورت گرفته باشد برخورد می کنیم!! جالب است همزمان با پخش مصاحبه تلویزیون سیما انبوه ساختمانهای در حال احداث/احداث شده در ارتفاعات را به بینندگان نشان می داد.
- چرا وضع به اینگونه است؟ چون انسان در شرق تعریف نشده است. چون حقوق شهروندی تعریف نشده است. چون نسل بعد نسل نیآمده است. چون حرف بس زیاد و عمل بس ناچیز است. چون عرق وطن نداریم. چون از خدا نمی ترسیم. چون به مرز تمدن نرسیدیم. چون منطقه ما، منطقه عقب مانده است. در همین خرداد ۱۳۹۲ دولت ترکیه اعلام کرد قصد دارد پارک تقسیم را تبدیل به یک مرکز تجاری و موزه دوران عثمانی کند.

مردم استانبول برای حفاظت از درختان پارک جلوی او ایستادند و خواستار کناره گیری و یا انتخابات زودهنگام دولت شدند.

- ایمیل من به سازمان محیط زیست (۱۳۹۲/۹/۲۱) راجع به تبدیل شدن دره اوین به برج کین: سه سال پیش (۱۳۸۹/۴/۱۵) تعدادی معدودی جمع شدیم و به عمل جنایتکارانه قطع درختان دره اوین اعتراض کنیم (یادم نمی رود در مسیر حرکت به محل حادثه شخص میانسالی از عوامل پروژه جلوی مرا گرفت و پرسید کجا می روی؟ گفتم اهالی به در خانه ها اعلامیه دادند برای تجمع و اعتراض به این کار ضد حیاتی غیر قرن بیست و یکمی. گفت این موهای خود را کجا سفید کردی؟ این کار تمام شده است. چند روز پشت سر هم تلویزیون آمد و مصاحبه ها گرفته شد ولی آقایان کار خود را کردند. ثلث درختان را باقی گذاشتند شاید روزی پارکینگ خودروهای باغ بهشت بشود) فیلمی که از تلویزیون پخش شد این گفته من ضبط بود"قطع درختان قتل انسانهاست اگر نگوئیم قتل اولیاست".

اما نتیجه اش چه شد؟ در این چند سال چندین بلوک ساختمانی بلندمرتبه در شرف تکمیل است و می رود قسمت انتهائی یکی دیگر از برگ های زرین حیات تهران زیر بلوک های دیگر ساختمانی محو و برای از ما بهتران آپارتمان و برای مردم تهران افزایش سرطان و محروم شدن از شش های طبیعی شهر باشد.

آخرین پلاکاردی که به نرده های دم در ورودی در سال ۱۳۹۱ نصب بود این جمله شرم آور قرن بود "مژده: اهالی محترم ۳۰۰ اصله درخت دیگر در حال کاشت است".

انسانهای خاطی فکر می کنند کسی آنها را نمی بیند. این جرم پای همه مدیران تصمیم گیر نوشته خواهد شد. اگر شما هم جلوی پیشروی این جنایت محیط زیستی را نگیرید نام شما هم خواسته و ناخواسته ثبت تاریخی خواهد شد. آقایان محیط زیست آمار بدهند روزانه چند ده هزار اصله درخت در این کشور نابود می شود؟ کدام کشور متمدن مجوز قطع حیات اولیه بشری را می دهد که ما داده و می دهیم. زمین به این زیبائی و آرامشکده های زیبای کشور را محافظت کنید. از منابع مادی و معنوی کشور شیعه پاسداری کنید. قطعه شعری هم در این باره سرودم که چند بیتش به درد زیر است (کامل آن در این متن):

...گوش ندهند به حرف من

سازه برند به باغ من

برج طمع بلای شهر

شعله کنند درون من

باغ اوین مگر نبود

کمتر از این ارم نبود....

ببخشید تند شدم. دردم زیاد، امیدم به شورای شهر صفر و انتظارم از خانم دکتر ابتکار زیاد و زیادتر (چیزی که از ارسال این ایمیل نصیب من شد یک کد رهگیری بود. یعنی انتظار بی انتظار-ابتکار در انتظار!).

- ایمیل من به روابط عمومی شهرداری (۱۳۹۲/۶/۱۵) بابت تبدیل شدن دره اوین به برج کین: "در تاریخ ۱۳۸۹/۴/۱۵ تعدادی معدودی جمع شدیم و به عمل جنایتکارانه قطع درختان دره اوین اعتراض کردیم. اما نتیجه اش این شد که در این سه سال چندین بلوک ساختمانی بلندمرتبه در شرف تکمیل است. اسم پروژه را هم گذاشتند باغ بهشت و دفتری گشودند که واحدها را پیش فروش می کنند! زمین مال مردم، حافظ و غاصب ارتش، دلال پیمانکار پروژه. تا چند ماه قبل یک پلارکاردی به نرده های دم در ورودی نصب شده بود که در آن آمده بود اهالی محترم ۳۰۰ اصله درخت دیگر در حال کاشت است!

تبدیل کردن این شش شهری به برج ها بزرگترین خیانت شهرداری (علی الظاهر) به مردم تهران بود. نصف این دره هنوز پوشیده از درختان سبز است. محض رضای خدا و اثبات متمدن بودن خود مانع پیشرفت این جنایت محیط زیستی باشید".

- شعری که در پائین آمده درد و رنجی است که من در این مدت سه سال از تخریب باغ دره اوین کشیده (۱۳۹۲) و می کشم (۱۳۹۵). دره نیمه ساخت اوین هنوز هم بخاطر حفظ یک سوم درختان آن هوای متفاوت و سکوت مداوم دارد. اما امان از روزی که خانواده ها ساکن بشوند و خروجی چمران جوابگوی تردد هزاران خودرو نباشد و یا خدای ناکرده سیلی سهمگین بیآید و طبقات زیر، زیر آب بروند.

خوشبختانه این پیش بینی من هنوز محقق نشده است.

اما در مقاله سیل ایران ۱۳۹۸ درج در همین سایت باز به این معضل که یک روز قبل از مشرف شدن من به عتبات عالیات نوشته شده است (۱۳۹۸/۱/۸) اشاره کردم. متاسفانه آقایان دارند ترتیب کل درختان را می دهند. شب ها در جای جای جنوب این باغ که هنوز چند درخت باقیمانده است چراغ روشن است. نشان می دهد ساخت و سازهای دیگری در راه است. بویژه که یک در ورودی جدید در قسمت غربی گشوده شده است و چند نگهبان از این بهشت واقعی به غارت رفته محافظت می کنند. کاش آقایان از جاری شدن سیل در ۲۵ استان کشور عبرت بگیرند و از تجاوز به انفال دست بردارند. کاش دولت/شورای شهر اخطارنامه ائی را تهیه و تسلیم پیمانکار این پروژه جهنمی بکند. مبنی بر اینکه چنانچه سیل سهمگینی در تهران جاری بشود و در اثر آن به زیر ساخت های در مسیل رودخانه (اعم از تخریب خانه های مردم، تخریب اسفالت خیابان چمران، تصادفات خوردوها و.. آسیبی وارد بشود کلیه هزینه های جانی و مالی مترتب بر آن بر عهده ایشان است و به هیچ وجه از بودجه عمومی پرداخت نخواهد شد.

اما ایکاش خودشان اینقدر شعور داشتند یک نگاهی به سرسبزی این مسیل از شمال اتوبان چمران می انداختند می دیدند بخاطر بارندگیهای امسال (فروردین ۱۳۹۸) زمین های دست نخورده این منطقه چقدر زیبا و روح نواز است و اینها بخاطر منافع شخصی و با رانت خواری مردم تهران را از این نعمت خدادادی محروم کردند.

تیشه نبر به باغ من

اره نکن تو باغ من

قامت شهر کجای شهر

خیره نشو به باغ من

گوش ندهند به حرف من

سازه برند به باغ من

برج طمع بلای شهر

شعله کنند درون من

باغ اوین مگر نبود

کمتر از این ارم نبود

ارتش سرخ بهانه کرد

مسکن مهر مگر نبود

جمع شدیم برای باغ

حرف زدیم به جای باغ

شب همه جا خبر شدند (پخش مصاحبه های متعدد در شبکه های مختلف سیما طی چند روز)

روز دگر درخت نبود

کینه مرد همین که هست

سینه شهر کثیف که هست

خرده نگیر به مردمان

شرط ادب همین که هست

ساکن شهر کسی نبود

صاحب شهر کسی نبود

زنده خورند زمین مفت

مرده حق کسی نبود

ریش مرا بدست نگیر

رنج مرا به صد نگیر

نفرتم از خبیث تو

دین ریا غوره نگیر

قالی ما عالی نبود

عالی ما راضی نبود

شهر پرند بازی نبود

مردم شهر راضی نبود

یک نظری به شهر بکن

دود و دمش نظر بکن

رنگ زمین فنا نبود

حرمت شهر خطر بکن

شورای شهر نمره نبود

منتخب جمعه نبود

شهر به این تراکمی

منجی شهر ما نبود

خانه ما به متر نرفت

شهری ما همین که هست

جالب است از مرداد ماه ۱۳۹۲ شروع به فروش واحدها کرده اند! جائی که تا دیروز و برای قرنها باغ بود و پر از درختان چند ده ساله و جزو حوزه حفاظتی ارتش. امروز دیگر توجیهی برای حفظ دره و استقرار ارتش نیست و چون صحبت از رفتن زندان از این منطقه است زمین های آزاد شده میلیاردها دلار قیمت دارند. تابلوی واحد فروش را زودتر نصب کردند و ساختمان بانک حکمت ایرانیان را زودتر راه اندازی کردند.

- گزارش مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۵ سایت شفقنا با عنوان " اهمیت درختکاری از دید اسلام: حلال ترین کاری که ثواب آن پس از مرگ جاری است (فایل ۴۸):

نظر:

قال رسول درخت بکار

قال علی درخت بکار

کشته ما درخت ما

آخر کار درخت بکار

سایه حق درخت ماست

حق حیات درخت ماست

پشت نکن به حق ما

پشت حیاط درخت ماست

عمر عزیز به سر رسد

ارث تو هم به من رسد

سعی نکن بدست من

خانه بی درخت رسد

هرچه به شهر نظر کنم

خاطر خود به صف کنم

ظاهر شهر خیانت است

بس که بزک درخت کنم

صبح الست قیامت است

مرگ درخت خیانت است

حرف من هم حرف خداست

حاصل عمر دیانت است

این همه سرو درخت ماست

شاخه صلح نثار ماست

شاخه مبر نگار من

حفظ درخت نشان ماست

از همه جا خبر رسد

قطع درخت به ما رسد

اینهمه فقر نشان چیست

حد نزنند بلا رسد

حفظ زمین (۱۳۹۲)

حفظ زمین حفظ ماست

مادر گیتی ی ماست

دست زمین را بگیر

کار زمین حفظ ماست

رنگ زمین است به رنگ زمین

تابش نور است به روی زمین

نوبت دیگر نداریم زمین

دشمن این خاک نباید زمین

- گزارش مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۴ سایت جماران با عنوان مسئول طوفان تهران کیست:

نظر:

وضعیت شهر تهران خیلی وقت است طوفانی است. ساخت و سازش موجب بیماری است و برای متولیان آن آینده این شهر موجب بدنامی است. دلیلش واضح است. به اندازه دو متر در آن استانداردهای بین المللی رعایت نشده است. استانداردهای فوق بشری اسلامی پیش کش که در آن انسان حیات مبارک، حلال و طاهر دارد. در دنیا معماری ایرانی زبانزد است. **اما چه کنیم که امروز می بینید همزمان در یک کوچه قدیمی یک پیمانکار ساختمان ۷ طبقه می سازد! همسایه بغلی ۸ طبقه و همسایه نزدیک به این دو ۹ طبقه! به اندازه ۱ متر در این کوچه های تنگ و باریک قدیمی نه تنها اثری از عقب نشینی نیست بلکه نسبت به ساختمانهای قدیمی تر دو متر هم جلوتر آمده اند!** اما در یک مورد این متخلفین رشوه بده مشترک هستند هر سه از طبقه دوم به بالا از فضای خیابان دزدیده اند تا جای خود را در خانه برای خود فراخ و برای مردم

شهر و کوچه تنگ کنند. کجا قرار است هوا در این کوچه ها و خیابانها گردش کند؟ عواقب این شهر فروشی با کیست؟ آبروی شهر اسلامی بردن با کیست؟ رواست حرف مردم فرنگ رفته دائما زیبائی های فوق مدرن شهرهای دیگر کشورها باشد؟

- گزارش مورخ ۱۳۹۳/۴/۴ سایت جماران با عنوان زیست توپ؛ هدیه ایران به جهان که داده نشد: قرار بود در بازی های جهانی فوتبال در مسابقه بین ایران- آرژانتین این توپ به لیونل مسی کاپیتان تیم اهدا بشود (تصویر ۴).



تصویر ۵. زیرسازی محیط زیست با دیگران- توپ بازی با محیط زیست با ما.

نظر: خدا را شکر که این توپ به دنیا عرضه نشد. این کارهای نمایشی برای هیچ کشوری افتخار نیست. نتایج تحقیق ما هم نیست که حداقل به آن افتخار بکنیم. مر مر تقلیدشان بر باد داد. به جای توپ زیستی زمین های سبز کشور را حفظ کنند. آن موقع عکس هوائی توپ محیط زیست ایران را دنیا خود نظاره خواهد کرد. حیف نیست اینقدر فسفر در کشور سوزانده می شود؟

- گزارش مورخ ۱۳۹۳/۱/۳ سایت اهر وصال با عنوان قتل عام در فرمانیه:

نظر:

علیرغم قوانین سخت و زیبا "تصرف زمین در ازای تخریب درختان" هر روز از تعداد درخت ها و زمینهای خاکی کم و بر تعداد برج ها و برج نشینان مرفه بی درد افزوده می شود. شعار همراه با عمل آقایان هم در این مدت "پیش به سوی یک درخت" بوده است!

شاعر شهر ما شهر قشنگ دیده بود

بین شهر قشنگ شهر فرنگ دیده بود

شهر زیبای من مرگ درختان نداشت

سایه هر درخت بر سر ما دیده بود

- گزارش مورخ ۱۳۹۳/۵/۱۲ سایت بینانیوز با عنوان ربیعی: تقسیم‌بندیهای ادعایی را به مصلحت نظام و مردم نمی‌دانم (فایل ۲۸):
- نظر:

تفکیک جنسیتی واژه زشت و زیبا. امان از زار و بیزاری. کجا کاربرد داشته باشد خوب است؟ از زبان کی شنیده شده باشد گویاست؟ مصادیق کدامها هستند؟ علم چه می گوید؟ شرع چه می گوید؟ نگرانی ها کدامها هستند؟ الویت چندم کشور است؟ سوژه است یا جدی است؟ برگردیم به سوابق. این طرح در دانشگاهها جواب نداد. استاد از یک درب وارد می شود و دانشجو از درب دیگر بعد این دو در اطاق استاد چند ده دقیقه ای مباحث علمی، اجتماعی و حتی سیاسی می کنند. بعد هم هر دو از درب مخصوص خود خارج می شوند. داخل کلاسها هم که اکثریت با خانم ها هست (تفکیک کنکوری). در اتوبوس و مترو چطور؟ بلی ازدحام باشد بهتر است خانم ها کابین خود را داشته باشند. اما اگر خلوت باشد توجیهه منطقی و اقتصادی ندارد. در طواف خانه کعبه و برگزاری رمی جمرات چطور؟ از محالات است. مگر پای خود را تا گلیم خدا و خانه خدا (عقل، کتاب، سنت و عترت) دراز کنیم تا شاید با دهان کوچک خود نور دستگاه خدا را خاموش کنیم و نزدیک ترین و عینی ترین قطعه محشر در زمین را به جمود و سیاهی بکشانیم.

علم چه می گوید؟ اگر فقط داستان دو جنیستی ها را در باکتریها می دانستیم هیچوقت صحبت از تفکیک جنسیتی نمی کردیم. در این موجود تک سلولی از دیواره سلولی گرفته تا واحدهای ریبوزمی ساختار دو جنسیتی غیر قابل منفک هستند. جدا بکنی نابود می شوند! چرا از خود نمی پرسند چرا قبرستانها چون شهرها مخلوط زن و مرد است؟ و چرا صحرای محشر مخلوط مرد و زن است؟ و چرا در طواف کعبه صورت زن باید بیرون باشد؟ جهاد اصغر و اکبر در یک جا یعنی همین! این یعنی زمینه امتحان! و بلکه خود امتحان. ترس دارم که سال دیگر آرزو کنند کاش جهنم و بهشت هم مردانه و زنانه می شد؟

اما چون این بحث را شهرداری به میان کشیده است به او می گویم بهتر است اول آقایان تفکیک خیابان- پیاده رو- درخت را در شهر تعریف کنند بعد وارد مقولات دیگر بشوند.

همین دیروز در میدان کاج، خیابان مروارید، نبش کوچه نهم غربی ساختمانی را در حال احداث دیدم که چند ده متر جلوتر از همه خانه ها پیشرفته و تنها مانع او پیاده رو خیابان بوده است. بقیه خانه ها این فضا را درختکاری کرده اند و ایشان جنایتکاری (تصویر۶)!



تصویر۶. در فضای به حراج گذاشته شهر تهران که با همکاری مالکین و شهرداری ها صورت می گیرد حتی دود سیگار هم از مردم قربانی خواهد گرفت.

- گزارش مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۳ سایت بینانیوز با عنوان ابتکار: دوره انکار مشکلات محیط زیست گذشته است (فایل ۵):

نظر:

با شروع خلقت:

-زیباترین کره خاکی خلق شد

-عالی ترین سلول (سلول انسان) آفریده شد

- بهترین زنجیره غذائی نصیب انسان شد

-روزی را که خدا برای زمین قرار داد محدود اما کافی است

-لذا روزی و سبزی زمین مال یک نفر نیست

-مال یک نسل نیست

-مال یک قرن نیست

برای همه زمین نعمات فراوان گذاشت اما برای کشورهای اسلامی و کشور ما این نعمت را به تمام و کمال گذاشت.

سبز زمین آب زمین خوش حیات

گنج زمین نان زمین خوش بیات

روی زمین فوق کرات دگر

سبز زمین پارک کرات دگر

هرچه کرات است به ما می خرند

هرچه نگاه است ز ما می برند

جنت اول به ملک داده اند

جنت دوم به زمین داده اند

زنده کنید سبز زمین سبزه ها

آب گوارا بدهید سبزه ها

اینکه زمین است بهای من است

بوی زمین بوی بهار من است

تا که زمین است برایش بکار

هر گنهی هر شجری را نکار

خویش نیاسای به دندان تیز

تیشه نیانداز به دریای خویش

سوگل من رنگ درختان سبز

سوگل تو قطع درختان سبز

قطع مکن ام حیات بشر

لاف مزن بر سر قتل بشر

خاک مریز بر سر این بینوا

چاره بجوی از دم این با نوا

- گزارش مورخ ۱۳۹۳/۹/۲۰ سایت بینانیوز با عنوان درآمد ۲۲۰۰ میلیاردی دولت از جریمه‌ها (فایل ۶۷):

نظر:

کاش دنیا به جای زندانی سیاسی، زندانی جرائم محیط زیستی داشتند. در دادگاه های مردمی قطع کنندگان درختان و ذبح کنندگان حیات وحش را به وحشی گری و تجاوزکاری متهم می کردند. ایشان را به برنامه تلویزیونی خاص حفظ محیط زیست دعوت و بسته به نوع جرائم تفهیم اتهام می شد. او را عضو کمپین زمین سبز می کردند.

سواد نداشت سواد یاد می دادند. ادب نداشت ادب یاد می دادند. دین نداشت دین یادش می دادند. روح نداشت روح نثارش می کردند. او را آدم نکرده در جمع آدمیان راه نمی دادند.

احیای یک فرد احیای یک نسل است. جرائم در همه جا کارساز نیست. بخصوص نسبت آن به جرائم رانندگی چند ده برابر باشد. این پولها درآمد دولت می شود اما دولت، دولت مردمی نمی شود. یک بار از متخلفین عادی و نه قهار رانندگی مصاحبه بگیرید. ببینید پرداخت جریمه بر او چقدر گران تمام می شود. درحالیکه پیمانکار ساختمانی تخلف نکند و میل گرد را جایگزین درخت و فضای سبز نکند شب خوابش نمی برد. پلیس هم می داند همه خطاهای رانندگی عمدی نیست. غالبا بخاطر نشناختن مسیرها و معبرهای

وصله پیله و بیشتر من در آوردی است. همین اجرای قانون منع حرکت گردش به راست را یک نفر کار کارشناسی بکند ببینند چقدر بار ترافیکی بی خود و بی جهت بر چهارراه ها بخصوص در خیابانهای فرعی تحمیل شده است.

هرکه بمیرد به ده می برند

دل که بمیرد به جنگ می برند

سایه دیوار هنوز زنده است

هرکه نمیرد به جمع می برند

سعی خلایق به خوش ماندن است

سعی مشایخ به خوش رفتن است خوش تر از اینست کلامش کنید

سعی مه آلود عقب ماندن است

پول جرائم هدر دادن است

غصه مردم به صد دادن است

اینکه ندیدند گناه من است

آنچه ندیدند به خود راندن است

- گزارش مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۷ سایت بینانیوز با عنوان روحانی: نباید زمین‌های کشاورزی به مسکن سازی تبدیل شود (فایل ۷۸):

نظر:

کیست که نداند ایران سرسبز هر روز در شهرها و روستاها کویرتر و بی برگ تر می شود. و وقتی جغرافیای بی نظیر ایران با جغرافیای اغلب کشورهای همسایه مقایسه می شود اول از همه شرمنده صاحب این کشور آل علی-آل فاطمه می شویم. بعد هم نسل بعد و ملامت های ناپایان ایشان.

پرسش اینجاست چرا فکرها در دو دهه اخیر با شیب بیشتری به سمت تخریب و یا تملک فردی همه منابع موجود کشور پیش رفت؟ فرهنگمان غنی نبود؟ رقابت های همسایگی را درک نمی کردیم؟ سیادت دنیا را نمی خواستیم؟ زیبائی های محیط زیست ایران را دوست نمی داشتیم و یا خدای ناکرده به نام نیکوی خود ارج و قربی قائل نبودیم که بعد از ما می گفتند فدک های جدید ایرانی در فلان دوره تاریخی ایجاد شدند.

یک جای دیگر هم نوشتم کسانی که زمین های کشاورزی این مملکت را تخریب می کنند در واقع فدک های امروز فاطمه را تخریب می کنند و با این کار دل دشمن را شاد و فاطمه را بار دیگر محزون می کنند.

مردم آن کشوری سر بلند است که تا فراز آسمانها، تا عمق دریاها و زمین و نیز تا عمق سلول سرکشیدند و به جای گردنکشی و ولنگاری گردن به نظم و انتظامات خدا نهادند.

شعر زیرا به نام نمره فرهنگی تقدیم می کنم به همه افرادی که درخت را ادامه حیات با نشاط و نه منات بی نشاط خود می دانند و حاضرند برای حفظ آن از هیچ کوششی فروگذاری نکنند.

به تو من نمره دیگر بدهم

نمره بیست که نیست

نمره کمتر بدهم

با تو هست فرهنگ غنی

دین قوی

مذهب پویای علی

سببش یاد علی

نسبش آل نبی

یاد نبی یاد علی

به خدا کوی خدا

از بر من بوی خدا

ره به جز خانه نرو

کمتر از این خانه نرو

خانه از راه برو

با همه کس خانه مرو

به تو هست فکر برین

برتر از این شعر وزین

همه از طوس زمین

فارسی ما فارس زمین

شعرا رکن رکین

حرف امین حرف ثمین

به تو تشبیه کنند

هرچه قدیم هرچه جدید

ره به تو توشه کنند

روی زمین زیر زمین

به خدا سجده کنید

تا ننشست

با تو نشست

- گزارش مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۲ سایت بینانیوز با **عنوان** پیش بینی قالیباف از جمعیت تهران (فایل۸۶):

نظر:

برای نجات شهر تهران و شهرهای بزرگ شهرداری به این شعار جدید خود پایبند باشند: "این بار جای های خالی..... تهران را پر نکنید"

شعاری که نجات بخش تهران و شهرهای بزرگ است (شعاری که به سرعت تغییر کرد و تابلوهای مزین به آن از سطح معابر شهر جمع آوری شد) با شعار بی خطر "آسمان آبی زمین پاک یک تصمیم جدید" (تصویر ۷) شهر تهران جوابگوی جمعیت مورد پیش بینی و حوادث درون آن نخواهد بود (جدیدا هم شده آسمان آبی- زمین پاک).

چند جای شهر را محض رضای خدا خالی نگه بدارید شاید برای دهه های بعد برای یک بازی نو و مسابقه نو به یک زمین چند هزارمتری در داخل شهر نیاز افتاد. بگذارید هوا در تهران جریان داشته باشد. بگذارید مردم از دیدن یک متر زمین خالی محروم نباشند.

عضو شهر تهران می‌گوید:

براساس قانون، هر کس عالمانه و عامدانه درختی را از بین ببرد، این زمین باید به نفع مردم مصادره شود. چقدر قانون مترقی و به روزی است. اگر چنین است لابد اینهمه ساخت و سازها روی آب انجام می شود؟ در این مدت آنکه نفس نکشید درخت و بعد از آن صاحب درخت بود. قدیم قدیما شعار این بود به امید روزی که هر ایرانی یک پیکان داشته باشد و امروز شعار عملی مجریان اینست به امید روزی که در تهران و ایران یک متر زمین خالی نباشد!!



تصویر ۷. نصب تابلوهای بزرگ بر سر هر کوی و برزن برای تبلیغ این شعار بی خطر و خانمانسوز من در آوردی" آسمان آبی زمین پاک یک تصمیم جدید".

- گزارش مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۱۴ سایت بینانیوز با عنوان جریمه قطع درختان در تهران اعلام شد (تصویر ۸، فایل ۱۰۶):



تصویر ۸. قطع درختان در کلان شهری که به درخت بیش از هر ذی وجودی دیگر نیاز دارد.

نظر:

نظم فی البداهه برای این اقدام شهردوستانه شورای شهر که گرمی انتخاباتش بیش از گرمی شهر سوخته اش هست:

ریز درخت است به ما گفته اند

لیست قصور است به ما گفته اند

قیمت هر بن بگو چند ریال

هیزم هر دون بگو چند ریال

بن که محیط نیست محیط چند ریال

ریشه سیه نیست سیه چند ریال

مردم بدبخت به خواب رفته اند

خانه نباشد به شهر رفته اند

یاد پلاکم چقدر می زدند

تا که ور افتاد به در می زدند

هر چه نیآسود به ما داده اند

با تو بیآسود به خود داده اند

گنبد تهران به قم مانده است

منبر گردون به شب مانده است

دوده شهر است نفس می برد

نور بنفش است عصب می پزد

ما که ندیدیم خدا دیده است

شهر پر آشوب کجا دیده است

ریز درخت است ز شهر رفته است

هرچه زمین است به ثبت رفته است

سینه شهر است سواری کنند

بیمه سبز است تباهی کنند

یاد قدیما قدیما بخیر

یاد تقی خان تقی خان بخیر

- گزارش مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۵سایت بینانیوز با عنوان تا ۶ سال آینده تراکم را در تهران فروخته‌اند! (تصویر ۹، فایل۱۱۲):



تصویر ۹. نباید در برج سازی از دنیا و منطقه عقب بمانیم. حتی این برج ها در کوچه ها ساخته بشوند.

نظر:

جای خوشحالی است مقامات شهر وشهرسازی برای پر کردن متر متر فضاهای شهری و کیلومتر کیلومتر آسمانهای کم آب و کم آبی شهرها برنامه ها دارند.

خدا را شکر اگر نتوانستیم چون پیامبر عظیم الشان خود یثرب را مدینه کنیم حداقل بفکر تبدیل مدینه به یثرب بودیم.

اول اسم خیابانها و محلات را به اسم شهدا کردیم و الان و تا ۶ سال آینده در فکر شهید کردن ساکنین بی نوا و بی ماوای این شهرهای بی پناه هستیم. یادمان هم رفته معنی دو واژه اشباع و قفل چیست! و تبعات درحد نیست آن چیست! ادامه دهند حتی اگر از آسمان شهر سنگ ببارد و همه چیز تیره و تار بشود. نفس من و نفس شهر شعار دوران قجر است.

امروز ماسک های جلوی دهن و بینی حلال مشکلات شهری و بین شهری، قاره ائی و حاره ائی است. کاشف آن از کاشف پنیسیلین هم مهمتر و بالنده تر است. یک تکه پارچه چند لایه چند منظوره! این فیلتر سفید رنگ

هم جلوی نفس راحت آدم شهرنشین-غربت نشین-خاک نشین را می گیرد، هم جلوی گرد و غبارهای منطقه ائی را و هم در شهرهای بزرگ موجب صافی دود اتوبوس ها و خودروهای سنگین برای خورد راحت و مرگ ناراحت مردم می شود.

عجب شهری عجب شهری عجب شهر

سلاطین دم خورند درخوردن شهر

همه در قوت خود ماندند به یک شب

به روز درگذشته ماتم است شهر

- گزارش مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۹سایت بینانیوز با عنوان تخریب ۵ هزار هکتار از باغات تهران (تصویر ۱۰، فایل۱۲۵):



تصویر ۱۰. این گذر بی نظیر از ایرانی دین مدار و طبیعت مدار قدیم.

نظر:

یکی از راه های تشخیص شهر پیشرفته از غیر پیشرفته دیدن مناظر دیدنی و نادیدنی شهر از فراز آسمان است. یادم نمی رود در یکی از سالهای دور که از سفر مشهد برمی گشتم صدای دخترک ردیف پشت صندلی خود را شنیدم که با دیدن چراغهای پرنور شهر تهران به حالت ذوق زده به مادر خود می گفت مامان ببین اینجا عروسی است!

این خاطره در ذهنم بود تا چند سفری به خارج از کشور رفتم. خیلی از شهرهای اروپائی برخلاف شهر تهران در بعضی نقاط کاملا تاریک بنظر می رسیدند. **نشان می داد این مناطق یا مناطق کوهستانی هستند یا گذر رودخانه و دریاچه و پارکهای ملی است**. این خاطره را به خاطر خود آوردم تا به این نتیجه برسم وای به حال شهرهائی که روشنائی غیر معمول و شبیه به چراغانی دارند که متاسفانه سیمای این شهرها در روز بمانند قبرستانهای با قبرهای چند طبقه و جعبه کبریت های سیمانی هستند.

و از آن طرف خوشا به حال شهرهای مدرنی که نسبت "درخت- ساختمان- اتوبان- پارک - کوه - دشت" طبق طرح جامع شهر و جامع حقوق انسانی برای حیات سالم و سر زنده انسان ساکن بدقت رعایت شده است. دور نخواهد بود این شهرها بر شهرهای مرده مباهات ویژه خواهند کرد.

روی زمین از همه خوشگل تر است

تخت زمین بخت بنی آدم است

زینت ارض است به این خوشگلی

مایه فرق است به این مشکلی (الهام از آیه۷ سوره کهف).

- گزارش خبری مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۴سایت بینانیوز با عنوان رئیس جمهور درآستانه روز درختکاری نهال کاشت (فایل۱۲۷):

نظر:

افتخار آینده نسل ها به داشتن فضای سبز بیشتر است. باید منتظر بود و دید مسلمانان در این امتحان بزرگ قامت سبز یا طاقت سخت دارند؟ لباس فضل یا لباس خز دارند! کتاب بر دست و یا زیر سر کتاب دارند! آبرو می خرند یا آبرو می برند!

آنچه مسلم است شهرها با داشتن فضاهای سبز بیشتر سبزین و گرنه رنگین اند. ساکنین شهرها با تسلط بر علم روز عالم و گرنه مقلد اند و بالاخره باقیات صالحات ما برای عصر و نسل بعد حفظ محیط زیست برای یگانه تفاخر ایشان در برابر تجاهل و تجاوز پدران هم عصر خود است.

ما همه در زیر همین خانه ایم

خانه نداریم بدین خانه ایم

عمر زمین عمر جداگانه نیست

بعد ممات باز به این خانه ایم

خانه خرابیم اگر زاغه ایم

روضه ما داد بگو خانه ایم

آب نمک آب شرف خانه است

خاک عطش بود نمک خانه ایم

روز خدا روی خدا دیده ایم

دیده محبوب به خود دیده ایم

جنت فردوس ثمر دیدن است

این سفر اما درخت دیده ایم

- گزارش مورخ ۱۳۹۴/۱/۱۲سایت بینانیوز با عنوان پیام معصومه ابتکار در آستانه سیزده به در (فایل۱۴۵):

نظر اول:

کنفرانسی در آلمان در سال ۱۳۸۴ برگزار می شد که محل کنفرانس در ساختمانی بالای یک تپه جنگلی در حومه شهر "دارمشتات" قرار داشت. این حومه seeheim نام داشت. شهرستان کوچک، خلوت، سرسبز و در عین حال مدرن. ساختمان محل کنفرانس متعلق به شرکت هواپیمائی لوفت هانزا بود. فاقد هرگونه امکانات جدید از جمله اینترنت برای دسترسی همگانی! و فاقدحتی یک دستگاه تلفن و تلویزیون در اطاقها! همه چیز ساده و بسیار ساده بود. گفتنش امروز هم ساده است اما شنیدنش برای همگان سخت است چون موضوع مربوط به ۱۰ سال پیش است.

از seeheim تا ساختمان محل کنفرانس ۲۵ دقیقه پیاده روی تا قله تپه را داشت. در شب، همه جا تاریک! دریغ از یک نور و دریغ از یک صدا! چرا چون یک متر آنجا زیر ساختمان و ویلا نرفته بود.

این را مقایسه کنید با جواهرده رامسر که نوشته بودند"بهشت زمینی خدا".

چند روز پیش من آنجا بودم. مردم محلی و غیرمحلی، پولداران، مقامات، ادارات و.. تا توانستند برای خود آنجا کلبه ساختند. جا جای آنجا که منظره بهشتی داشت آگهی ویلا فروشی بود!! بنظر من شب های آنجا کم روشنائی تر از جاهای دیگر نیست. **تا ۲۰ سال آینده جز ارتفاعات صعب العبور همه جا مستعد تبدیل شدن به یک شهرک صنعتی است!! اتفاقا یک تابلو هم به همین نام بود!**

رواست باز به فرهنگ و تمدن خودمان افتخار کنیم؟ من که منظره ندیدم با زجر، فردای آنجا را دیدم. با دادن یک مجوز ساخت ویلا در اینجا و هرجائی که سرمایه ملی است یک قسمتی از کوه و دشت و دمن کشور عملا ویران می شود. **هر کیسه سنگ و سیمانی که در داخل این فضاهای بی نظیر سبز می ریزند ما را یک قدم به توحش نزدیک تر می کند.**

چه افتخار ننگینی که یک فرد نادان افتخار کند که در جواهرده یا در داخل یک جنگل دیگر او صاحب یک ویلای شخصی است.

معلوم است ملت را بگذارند یک برگ سبز هم آنجا باقی نمی گذارند. قانون برای همین مواقع است. یک مجاهد دیگر از تبار سردارجنگل لازمست که با این رضاخان های تازه به دوران رسیده در جنگلها برخورد شایسته و بایسته بکند.

عجیب است که الگوی همه شهرستانها تهران است!! ادب از کی آموختی از بی ادب. تهران اگر مدیریت داشت که به این وضع گرفتار نمی شد. هر شهری و شهرستانی اگر می خواهد نامش بماند باید محیط زیست و اماکن و شهرسازی سنتی منحصر بفرد خود را داشته باشد.

جز اعمال قانون و پاکسازی ویلاها از دامان سبز ایران، یک کار دیگر هم باید به موازات تخریب ویلاها انجام داد و آن گرفتن مالیات برای دیدن فضای سبز از بازدیدکنندگان شهرستانی است. معلوم است حفظ باغ در داخل شهرها و فضای سبز در خارج از شهرها دیگر به صرفه اقتصادی نیست. اما اگر آپارتمان سازی و ویلاسازی را دولت در مناطق سرسبز قدغن بکند و ملت هم جبران حفظ محیط زیست را با مالیات (هنگام ورود به شهر در عوارضی محیط زیست) به افراد بپردازد ما یک قدم به رشد پایدار جوامع پیشرفته نزدیکتر شده ایم.

- نظر دوم:
- شعر جنگل مولا. سروده شد به تاریخ ۱۳۹۴/۱/۱۲ در سفر به رامسر و مشاهده تخریب باغات در سطح شهر و جنگل ها در حومه شهر. جاجای منطقه زیبای آفرینش- جواهرده آگهی فروش قطعات ۲۰۰ و ۴۰۰ متری ویلا با سند..موج می زد. تا توانسته بودند درخت بریده و ویلای شخصی و آپارتمان جمعی! ساخته بودند و بدتر از آن به جای اینکه دریا از کناره جاده قابل رویت باشد باغات را تخریب و آپارتمان و بعضا برج سازی کرده بودند. فکرش بکنید اگر تمام دریا و ساحل زیبای آن در طول جاده شمال قابل رویت بود قیمت شمال برای مردم ایران و توریسم دنیا چقدر بود؟ حیف که از نفت تا دریا همه چیز برای ما مفت تمام شده است (تصویر ۱۱).

ملت ما چنین گفت

دولت ما چنین گفت

اشهد ما چنین گفت

مشهد ما چنین گفت

دولت خوب فخیم است

ملت خوب فهیم است

دولت بد عجول است

ملت بد خجول است

ملت خوب، دولت خوب، اصیل است

اصلح او، اشجع او، تابع یک اصول است

دولت اگر کرد خطا کسوف است

ملت اگر کرد خطا خسوف است

دولت فخر، ملت فخر، فاخری است

دولت قهر، ملت قهر، قاصری است

ملت خوب ضامن هر بهار است

دولت خوب ساکن هر بهار است

زنده خاک زنده آب کار توست

مرده خاک برده خاک زار توست

برده شود خورده شود خاک توست

زنده شود مانده شود تاک توست

اصل بدان این سخن

فرع بدان هر سخن

قطع درختان بس است

جنگل ویران بس است

گوشه زندان بس است

کثرت دولت بس است

ملت اگر دید خطا کرد خطا مجرم است

دولت اگر کرد خطا دید عطا مفسد است

جنگل و شهرک مکن

شهرک صنعت مکن

روزی تو آب توست

آبی تو آس توست

هیزم تر از خری است

جنگل تر برتری است

عرصه ماست این درخت

حمله مکن بر درخت

کلبه خری ننگ تو

مرده خری مرگ تو

آدم فرزانه باش

غصه هر ساله باش

کلبه نکن این شمال

کوچه نکن این شمال

جنگل ماست این شما

جنگل ماست بی شما



تصویر ۱۱. خرده فروشی جواهرده رامسر.۱۳۹۴

- گزارش مورخ ۱۳۹۴/۳/۱۷سایت بینانیوز با عنوان دکتر معصومه ابتکار: آب‌گیری سد گتوند به صلاح نبود (فایل۱۷۲):

نظر:

تعجب آور است در ایران برای گذاشتن اسم فرزند، والدین باید طبق بخشنامه ثبت و احوال عمل کنند و مطابق با اسامی ایرانی و اسلامی مندرج در کتابهای رسمی آن سازمان اسم فرزند خود را انتخاب کنند. در مورد فرزند خود من چون تلفظ اسم آمنه در هند آمینا بود با این اسم به او شناسنامه داده نشد و ما ناچار شدیم او را مینا بنویسیم و آمینا صدا بزنیم! اما وقتی می خواهند برای شهرهای قدیم و جدید ایران طرح مسکن و شهرسازی تعریف بکنند همه اسلام باد هوا می رود و رشوه و و فوقش پرداخت خلافی نقشه روبنا، زیربنا و بی بنای همه ساختمانهای شهرها می شود! و همین می شود که شهرهای ایران در همه جا ساختمانهای یکنواختی پیدا می کنند.

از طبقه دوم ساختمان های ۸-۷ طبقه، مالکین صاحب فضای کوچه و خیابان می شوند که قیمت هر سانتیمتر آن برای گردش جریان هوا و ادامه حیات مردم کوچه و برزن چند برابر قیمت متراژ خود خانه است.

و اخیرا هم برای اینکه مزاحمت پارک ماشین ها در اطراف خانه خود نداشته باشند به بهانه کاشت درخت، یک متر از کوچه را هم بر درختکاری به ملک خود منضم می کنند! در بافت های جدید شهری هم مردم و هم مقامات دست بکار نابودی هم هستند.

شهر مرده معلوم است ساکنین بی هویت پیدا می کنند. حیات نباشد لاجرم ممات است. این بی رحمی ها به فرهنگ و سنن ایرانی را هم در داخل شهرها پدید آوردند و هم در بیرون شهرها و روستاها. شهرها و روستاها

و کوهها و دشت ها را فروختند تا صاحب همه نداشتن های چند نسل قبل از خود باشند! نمی توانند همه این تخریب ها را به دشمن خارجی نسبت بدهند چون دست سازترین محصول مردم خود کشور بوده است. در همین آتش سوزی جنگل های بلوط ایلام که هم از یک بیماری ناشناخته رنج می برد و هم از آتش بی کفایتی، تلویزیون ایران نشان می داد مردم مثل دوره قبل از انقلاب عملا با دست خالی به جنگ حریق رفته اند. آیا ایران خودرو و دیگر خودروسازان وطنی نمی توانستند به ازای میلیون ها خودروی تولیدی خود چند خودروی آتش نشانی هم بسازند و تحویل سازمان محیط زیست بدهند؟

اینست که زیاد هم نباید مردم ایران انوشیروان عادل را ملامت و مذمت بکنند که چرا نگذاشت فرزند یک کفاش درس خوان بشود چون او می دانست وقتی طبقات اجتماعی بهم بخورد، همه چیز بهم می خورد بهار در زمستان و زمستان در بهار می شود.

تهران الگوی همه شهرستانهای ایران می شود، برنامه های فرهنگ غربی وارث پیام انبیا و حکمای کشور می شود و فهرست بلند و بالائی از مشکلات و معضلات محیط زیستی در این گزارش لیست می شود که اظهارنظر در بند بند این گزارش می تواند سر هر دلسوز وطن را بر باد بدهد. فعلا صرف سه ساعت وقت برای تهیه این متن نیمه آماده کفایت می کند. شعرش هم داغ داغ است.

اگر دیدی کسی یادش وطن خوارش وطن نیست

بدان در کار او جز یک وطن نیست

اگر دیدی کسی نامش وطن یادش وطن نیست

بدان در یک وطن او هموطن نیست

اگر دیدی کسی کارش وطن بارش وطن نیست

بدان در یک وطن او چند وطن نیست

اگر دیدی کسی خاکش وطن راهش وطن نیست

بدان او در وطن جز بی وطن نیست

- گزارش مورخ ۱۳۹۴/۲/۲۴ سایت بینانیوز با عنوان قالیباف: حضور دیوان محاسبات در شهرداریها ضرورتی ندارد (فایل۱۶۴):

نظر من:

به من بود تمام شهرداریهای بعد از انقلاب را محاکمه و یا زندانی می کردم!! یک خیابان و کوچه ای در شهر بزرگی چون تهران پیدا نمی شود که عمارتهای جدیدش ده ها متر آسمان را نتراشد، حداقل دو متر به حریم خیابانها و کوچه ها از طبقه دوم تعرض نکند، به ازای اینهمه تعرض به حیات و ممات انسانی و آبروی شهر اسلامی یک متر این غولهای بتونی عقب نشینی بکنند. در یک کوچه تنگ و باریک همزمان یک

مالک مجوز ۷ طبقه دارد! مالک بغلی ۸ طبقه! و هرچه به عقب بر می گردیم نماد مالکیت قانون است. حریم کوچه و خیابان است. حریم حفظ سلامت انسان است. حریم فردای روزهای بحرانی است! حریم روزهای شکوفائی است! **دو ساختمان با هم هم عرض و هم ارتفاع نیستند! کوه ها را فروخته اند، دشت ها را فروخته اند، دره ها را فروختند، یک درخت از تعرض نابکاران در امان نیست! شما بودید با این فرمانداران، شهرداران و استانداران چه می کردید؟** اگر می گوئید این عواقب مدرنیته است می پرسم این ساخته و پرداخته مدرنیته غرب چرا برای شهرهای خود ایشان اینقدر وحشی نبود؟

بیشتر ترافیک های شهری بخاطر اینست که برای خودروها راه های خروجی مناسب باقی نگذاشتند. اکثر خروجی ها پس از رسیدن به سر چهارراه ها میسر می شود! قبل از چهار راه ها هم الی ماشاالله مغازه های اغذیه و اشربه و مشربه و مشغله.

این به اصطلاح تکامل پس رفتی را در علم بیولوژی می گویند تکامل کاهشی یا انحطاطی (degenerative or reductive evolution)یعنی سلول هرچه دارد به مرور از دست می دهد و تبدیل به موجودی می شود که موجودیت دارد اما تمامیت و اقتدار سلولی را ندارد. و بناچار مجبور می شود دیواره سلولی خود را از دست بدهد (مثل شهرهای بی در و پیکر ما)، هسته سلول به یک پنجم کاهش یابد (مثل فضای سبز داخل کوچه ها و خیابانها)، وسیله تحرک خود را از دست بدهد! و این موجود بدساخته برای اینکه بتواند به بقای خود ادامه بدهد و خود را به میزبان خود برساند آویزان حشرات ناقلی می شود (بانک ها و ارتزاق از طریق سودهای بانکی) که هم بال دارند و هم وبال! خدائی هم حمال حطب هستند (برای معلولیت های فکری و ذهنی و اخلاقی خیلی از سکنه های مالباخته و جانباخته شهری).

کیست در این بین، نابسامانیهای نرسیده به پایانی شهر دچار طعمه حریق و گرگ را نبیند و اوج فاجعه را درنیابد و به مسببین آن نفرین نفرستد؟

- گزارش مورخ ۱۳۹۴/۵/۲۲ سایت بینانیوز با عنوان زمین‌خواری حیرت‌آور درگردنه حیران (تصویر ۱۲، فایل۲۰۳):



تصویر ۱۲. **زمین‌خواری درگردنه حیران! توهین به نقاشی خدا.**

نظر من:

هیچکس مقصر نیست الا مقامات. هیچکس نباید مجازات بشوند الا مقامات. هیچکس به زندان نباید برود الا مدیران.

چرا که مردم عادی مقلدند. آب گل آلود باشد او هم سهم خود را می برد. این وزرا و وکلا که درحیران و جای دیگر برای خود ویلا ساخته اند بفرمایند در کل فامیل خود در قبل از انقلاب خانه کلنگی از خود داشتند؟ سواد دیپلم در فامیل داشتند؟ قوه قضائیه آخرین مرجع قانونی است که باید وارد عمل بشود. چقدر بشنویم در خیابانهای تهران مجسمه می دزدند! جنگل ها، این سرمایه های بین نسلی ما را آتش می زنند! (۱۹ خرداد ۱۳۹۷ فرمانده یگان حفاظت از جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور اعلام کرد ۳۵ نفر از مسببین آتش سوزیهای عمدی جنگل ها دادگاهی شده اند. و مصمم هستند برای صیانت از جنگل ها از نیروهای فصلی برای دیده‌بانی و کنترل حریق در جهت کاهش خسارت و تخریب استفاده کنند. همچنین از سربازان وظیفه نیز در گشت‌ها، مراقبت‌ها، کنترل و برخورد با متخلفان استفاده می‌شود. اقدام بایسته که جای تقدیر دارد) چقدر ببینیم آتش جنگل را با بیل و کلنگ خاموش می کنند!

باید کاری کرد. چه کاری بهتر از عزل مدیران متخلف. زدن ریش آنها در جلوی دوربین ها. مصادره اموال رفته در کابین زنان ایشان. شترسواری دولا دولا نمی شود.

در این مملکت فقط فرد امتحان نمی دهد. دین هم امتحان می دهد. داعش شیعه کش است ما چرا بدست خود مذهب کشی می کنیم؟ نمی شد با صیانت از حیات طیبه مردم و محیط زیست و حیات وحش و توسعه مراتع و جنگلها و زمینهای زراعی و آبادانی هوشمندانه شهرها و ارتقای علمی و فرهنگی و اخلاقی مردم به همه دنیا نشان بدهیم نسخه نجات بخش شیعه چنین است. مگر عمر نوح خواهیم داشت؟ مگر نظام مادام العمر اسلام شیعی خواهیم داشت. باید به مردم اطمینان داد که نظام حافظ اموال و انفاس و انفال مردم است. اگر همه زندانیها را آزاد کنند و اینها را زندان کنند به حق صواب تر است.

ما ملت ساده ایم

کاری به جنگ نداریم

ماندیم اگر کشته ایم

مردند اگر مانده ایم

شمشیر به حق می بریم

حق را به حق می دهیم

کاری به کس نداریم

خواری به کس ندادیم

زائده خیال نیست

تاریخ ما چنین است

امیر ما چنین بود

اسیر ما چنین است

دروازه ها گذشتیم

بر تخت شاه نشستیم

ما شاه شه ندیدیم

جز شاه بد ندیدیم

بر ثامن الحجج ما

سر بر آستان بسائیم

چون نام خاتم آید

فریاد ما سلامت

ما اهل کوفه نیستیم

کفر و نفاق شکستیم

بر قله ها نشستیم

بر کل کوه نشستیم

ما مردمان روزیم

شب را به خواب نمانیم

روز را خیال نبافیم

بر سوگولان سماعیم

بر چهرگان کلامیم

اما اگر خیال شد

در پشت ما جفا است

اموال ما به باد است

اسرار ما حراج است

سلطان به شب نماند

ماری کمین نماند

ماه عسل خطا نیست

احترام گیاه: احترام به خود- به محیط زیست خود-به همزیست خود

روز عزا عزا نیست

در مکر خود بمانند

گر مکر ما بلا نیست

مردن به جانشان باد

نفرین به خاکشان باد

بار جهان بسته اند

با ناکسان خسته اند

دار جهان را ببین

بار جهان را ببین

ما بچه های کوئیم

در کوی خود ندیدیم

فاسق به نانی رسد

غاصب به جائی رسد

شاهد به ما نظر شد

بر عصر ما اثر شد

ما کم کتاب نخواندیم

جز برخدا نخواندیم

این آخرین سلام است

منت کند می آید

بی منت هم می آید



تصویر ۱۳. **مرز بین گردنه حیران ویران ایران با حیران زیبای جمهوری آذربایجان! منبع: تابناک استانها. ۳ شهریور ۱۳۹۶.**

حتما در یک سال گذشته تعداد ویلاها از گردنه حیران اثری از حیات و نبات نگذاشته است.

یکی سر می زند

یکی لاف مردی می زند

یکی سرحد می زند

یکی بربط می زند

خوار مردان زمین

مرز حیران می زند

- با این روند تخریب محیط زیست شهرها و مزارع و باغ ها لازمست پلیس ویژه محیط زیست مرکب از نمایندگان مردم و قوه قضائیه ناظر ساخت و سازهای جدید در شهرها و روستاها باشند. دیگر دوره خان خانی تمام شده است. شهر جدید نیازمند تدوین قوانین جدید و هوشمند و مبتنی بر مدل سازی نوین است. سازمان محیط زیست خوان آخر این پروسه ساخت و سازهای جدید است که اتفاقا دارای حق وتو هم هست. او اگر دید در شهره ها آپارتمانها و برج های جدید از طبقات دوم به بالا قصد آمدن به جلو و تعرض به فضای کوچه و خیابان را دارند باید مانع بشود و اگر مالکین بدنبال شیکی نمای ساختمان خود هستند باید از متراژ ملک خود یک متر عقب نشینی بکنند.

یعنی به جای خرج کردن از کیسه مردم از کیسه متراژ خود بذل و بخشش کنند.

چون فضای زمین و آسمان خیابانها و کوچه ها هر روز تنگ تر و نفس گیر تر می شود و مجالی برای تنفس مردم باقی نمی گذارد. وارونگی هوا دیگر محدود به پائیز و زمستان نمی شود و هر روز شهرهای ما گرفتار ده ها عارضه مهم زیست محیطی، اجتماعی و اخلاقی هستند که اولین عاملش همین جعبه کبریتهای بی خاصیت به ظاهر شیک برجها و آپارتمان های چند مرتبه در کوچه های تنگ و باریک است. مسامحه در ساخت و سازها پدر هم شهر و هم آئین شهروندی را در آورده است.

فکرش را بکنید یک ساختمان ۸-۹ طبقه بخواهد از طبقه دوم ساختمان خود یک متر جلوتر بیآید این ساختمان چند مترمربع را مجانا صاحب می شود؟ شاید به اندازه متراژ خود خانه! بازنده این معامله ناجوانمرادنه خود فرد سازنده، همسایه او و شهروندان آن شهر هستند. بازنده دوم، آبروی نام کشور و آئین کشور است.

اگر سرطانی زیاد است، اگر افسردگی زیاد است، اگر پولدارهای یک شبه زیاد اند، اگر مفاسد اجتماعی رو به گسترش است بخاطر زیاده خواهی این افراد و همدست شدن ایشان با کارگزاران دولت است.

مثل سهم الارث، دولت باید از مالکین سهم متراژ بگیرد. نه اینکه دست او را باز بگذارد برای هر قانون گریزی مفت و مجانی. منفعت طلبی فردی بزرگترین آفت حیات طیبه قرن ماست. کسی که می رود در میادین سبزی و تره بار خرید بکند باید بداند اجناس آن سوا کردنی نیست و اگر سوا کرد به نفر بعد از خود ظلم کرده است. چون او صاحب بار خوب و سالم و دیگران صاحب خرابی های مطامع او شده اند. هکذا در ساخت وسازها اگر کسی فضای کوچه و خیابان را برای خود برداشت دیگران را از هوای سالم محروم کرده است. کی خواهد شد ما نحوه زیستن را از کسی، از مکتبی، از صاحب معرفتی بیآموزیم.

آقای توکا نیستانی در شبکه اندیشه می گفت (۱۳۹۴/۳/۱۷) ایرانیهای کانادا شبیه ایرانیهای داخلی هستند یک مقدار پیشرفته ترند! متمدن تر نیستند متوجه ترند!

در واقع، او با این حرف سیمای چند دهه بعد ایران امروز را به تصویر می کشید. برادر او نیما نیستانی نیز در برنامه پرگار (بهمن،۱۳۹۴) از قول یکی از دوستان خود مطلبی قرین به این مضمون می گفت که ایرانیها هر کدام در دفترکار/ اطاق خود یک سلطان اند! اما وقتی به غرب مهاجرت می کنند می فهمند همه این غرورها و منیت ها سرابی بیش نبوده و لذا تلاش مضاعف می کنند تا بمانند و مطرح باشند (خود بزرگ بینی: بزرگ ترین و مهمترین عامل عقب ماندگی کشورهای جهان اسلام!). نوری هم اگر سو سو بزند حتما نور کرم شب تاب است (تصویر ۱۳).



تصویر ۱۴. تنها نقطه قوت: امید به یک درخت نجات یافته از گزند تبر به دستان تهرانی. همزیستی تیر برق با یک درخت! مگر ممکن است؟

- اما مگر ضدبشرها، ضد محیط زیست ها، ضد خداها، ضداخلاق ها، ضدایران ها، ضدآبادانی ها اجازه نمی دهند یک جرعه آب سالم از گلوی آدم پایین برود، یک خبرخوش گوش آدم را نوازش بدهد و یک طبیعت بکر درگوشه ائی از این کشور پهناور محفوظ بماند. پشت کامپیوتر هم تو را راحت نمی گذارند. نمونه اش ایمیل حراج زمینهای شمال که دو روز پیش (۱۳۹۶/۱۰/۲) دریافت شد (تصویر ۱۴). خدا را شکر که اینها آمریکا و اروپا نبودند و گرنه با این طرز فکر و طرح تخریب به دنیا هم رحم نمی کردند!

با هر توان مالی صاحب ویلا شوید

ویلایاب شمال

گلچینی از ویلاهای ساحلی و جنگلی



تصویر۱۵. حراج زمینهای نقاشی شده خدا به ثمن بخس.

از جواهر یک ظواهر مانده است

از تعامل یک تقابل مانده است

سرزمینم در فلاکت مانده است

از توارث یک تصاحب مانده است

آخرین خبرها از وضعیت نزار جنگلها و زمین های مزروعی شمال کشور:

- رئیس انجمن جنگلبانی ایران گفت: با وجود اجرای "طرح تنفس" در حال حاضر ۴۲ درصد از جنگلهای شمال در معرض نابودی است و اگر این روند ادامه یابد تا ۳۰ سال آینده جنگلی در شمال نداریم (۱۳۹۷/۱۱/۲۱). ویلاسازی رمق جنگل ها و زمینهای مزوعی را گرفت. و امروز دهات و روستاهای کوچک و بزرگ هم از شر این سوداگران و ویلانشینان در امان نیستند. شان ایران این نبود. شان مسلمانی این نبود. شان ایران آینده این نبود.

کس نگوید زنده ام

جز بگویم زنده است

کار از این باب به آن باب شد

کار دگر بود همین باب شد

پهلوانان نان بازو می خوردند

این گدایان نان دیگ می خورند

پاسبانان اشتباه هم می کنند

پاس ندارند پاس ما هم می خورند

سر این قصه دراز است

ندانم چه دراز است

شبیه هم که ندارد

شبیه تر چه دراز است

زورق خود را کجا داده ایم

حیف نباشد به کم داده ایم

مرده آدم گواهی داد

خطبه نخوانده کجا داده ایم

- آخرین خبر زیست محیطی از سایت فرارو با عنوان لاکچری ترین منطقه ایران کجاست (۱۳۹۷/۱۲/۱۴) و این مقدمه: بی‌نظیرترین ویلای سوپر لاکچری در لواسانات ۲۵۰۰ متری، ۵ خواب، سال ساخت ۱۳۹۶، پارکینگ، انباری، بالکن، سونا و استخر، سالن ورزشی. قیمت ۱۵۰ میلیارد تومان. نکته اینجاست که به رغم افزایش شدید قیمت‌ها، هنوز مشتریان پرو پاقرصی برای ویلاهای چند ده میلیاردی و چند صد میلیاردی لواسان وجود دارد و خرید و فروش در این منطقه راکد نیست.





نظر انتشار نیافته من در سایت مذکور اجمالا این بود:

امروز روز درگذشت مرحوم دکتر محمد مصدق است (مرد ملی- مرد نفت- مرد آباد ایران). اما نمی دانم سال مرگ معاویه کی بوده است؟ او اولین کاخ عالم اسلام را ساخت. همه به سهو یا بعمد از آن در گذشتند. غافل از اینکه روزی این کاخ از دین اسلام و متقی ترین مومنین اسلام انتقام خواهد گرفت و چه زود انقلاب ۵۷ اسیر سبک زندگی این کاخ نشینان مفت خور شد! قضاوت کنید یک درخت در برابر چند واحد مسکونی؟ شهرها را اینگونه فروختند. تهران را همین گونه فروختند. روز ۱۵ اسفند۱۳۹۷ که روز درختکاری بود مقامات ارشد نظام درخت کاشتند و مقامات مرشد نظام (شورای شهر تهران) مجوز ساخت واحد مسکونی در ۶۲ باغ تهران را صادر کردند. علی برکاته الله. بیچاره قوه قضائیه که باید از این خانه های زنبور، نیش زنبور بگیرد! و بیچاره مردمی که ازابتدا سوار قطار ضد انقلابیون انقلابی نما نبودند. دیروز از خون و طلای خود گذشتند و امروز از سفره انقلاب دور شدند. و بیچاره امیدواران ظهور که با این روند تخریب طبیعت و حیف و میل سرمایه های خداددادی مملکت در آرزوی تاسیس تمدن اسلامی هستند. زمان آنست که تاریخ صدر اسلام بار دیگر نوشته شود و چهره های دیروز و امروز با هم مقایسه شوند.

کیست پیامک های روزانه فروش ویلا در نزدیکی دریا و داخل باغ ها را دریافت بکند و برای تغییر کاربری منطقه۱ تهران این پیامک روز را دریافت نکند (۱۳۹۹/۱۱/۱۵) و افسرده نشود؟ معلوم است این آقایان کار خود را می کنند و آن آقایان کاری غیر از حفاظت باغ های شهر و روستا انجام می دهند. و گرنه چه کسی جرات می کرد به این شفافی برای بریدن درخت های روزی رسان خدا آگهی قتل عام بدهد.

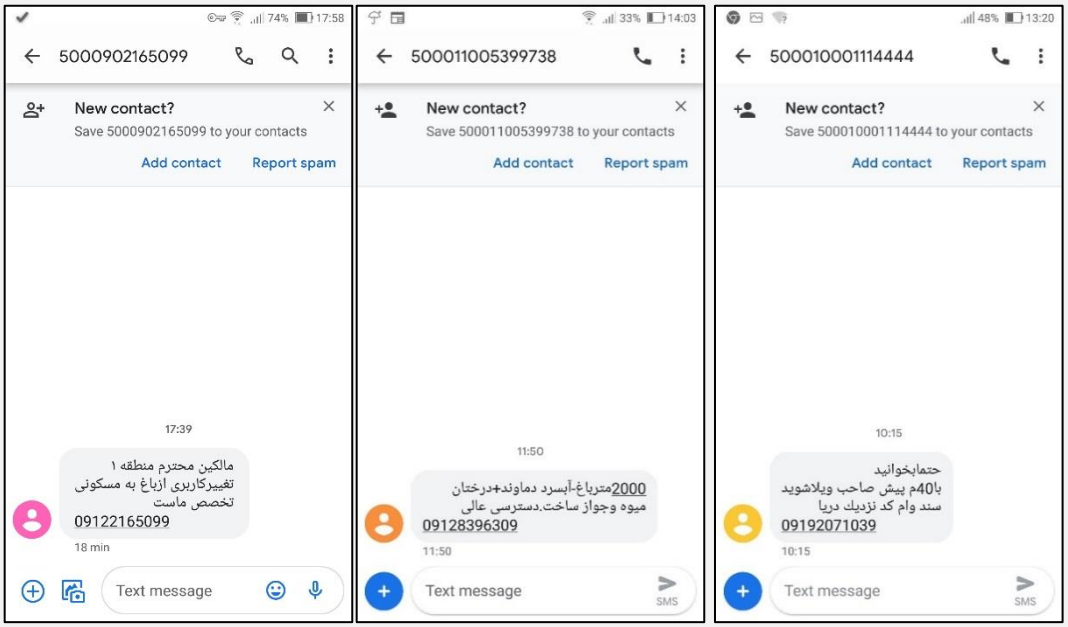

- زمین خواری به کوه خواری در دماوند رسید! دماوند پس از این قطب تولید سیب درختی نیست. باغات سیب دماوند سیبل دلالان زمین خوار است. بلائی سر این قطعه بهشتی آوردند که قبلا سر لواسانات آورده بودند. قبلا دعوا سر وقف سند دماوند به سازمان اوقاف بود. امروز وقف این اسناد بطور رسمی به دلالان دولتی و تعاونی ها است (۱۳۹۹/۱۲/۲۰). **کی مردم از ایشان انتقام خواهند گرفت خدا می داند.**

